

## نقش و جایگاه زن در رمان «شوهر آهو خانم»

زن بود شعر خدا، مرد بود تشر خدا      مرد نثری سره و زن غزلی تر باشد

پیش گفتار: زن با تمام ویژگی‌های خاص روحی و جسمی‌اش یکی از زیباترین، پیچیده‌ترین و لطیف‌ترین مخلوقات است. از حیث تکامل روحی و معنوی نیز زن انسان کاملی است که در خور همه کمالات و شایسته‌ی مقام‌هاست و هیچ مانعی بر سر راه ارتقا و تکامل همه جانبه‌ی وی و سیر در مسیر تکامل عالی‌ی انسانی وجود ندارد. اما، این آفریده‌ی گرانقدر در طول تاریخ همواره در معرض انواع ستم‌ها و استثماری، تبعیض و بی‌عدالتی قرار گرفته است و مرتبه‌ی انسانی او تا حد بازیچه بودن و ابزاری برای تمتع محسوب شده است. جای تاسف است وقتی که ادبیات کلاسیک را ورق می‌زنیم در بیش‌تر آثار شاعران و نویسندگان، وجود زنان تنها با حاکمیت بلامنازع مردان به رسمیت شناخته می‌شود. اندیشه‌ی مردسالاری سرنوشت آن‌ها را در تمامی زمینه‌ها زیر نفوذ خود قرار داده است. این اندیشه در ادبیات داستانی معاصر نیز ریشه دوانیده تا آن‌جا که بیش‌تر نویسندگان معاصر با این باور نقش‌های فرعی و حاشیه‌ای برای زنان در نظر گرفته و صفاتی را که در راستای منافع خود پسندیده‌اند برای زنان آثارشان قایل شده‌اند. یکی از مهم‌ترین رمان‌هایی که به مسأله‌ی زنان پرداخته است، به صورت مختصر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: (زنان، ادبیات داستانی، شوهر آهو خانم)

علی محمد افغانی در سال ۱۳۰۴ در کرمانشاه به دنیا آمد. پدر او اهل نجف آباد اصفهان بود و پس از انقلاب مشروطه، هنگام سفر به زیارت عتبات، در راه به کرمانشاه رسید و آن‌جا ماندگار شد. افغانی در شهریور ۱۳۲۶ برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و وارد دانشکده افسری شد. هم‌زمان با افسر شدن، تصمیم گرفت در کنکور پزشکی هم شرکت کند، که پذیرفته نشد. پس از مدتی به دلیل فعالیت سیاسی در (حزب توده ایران)، از دانشکده‌ی افسری اخراج و در دادگاه

بدوی به اعدام محکوم شد. در دادگاه تجدیدنظر، محکومیت او به حبس ابد تقلیل یافت و پس از چند سال آزاد شد. افغانی اثر برجسته‌ی خود، شوهر آهو خانم را با هدف انتقاد به دستگاه رضاشاه در زندان نوشت و پس از مدتی داستان "شادکامان دره‌ی قره‌سو" را با انتقاداتی تندتر به محمدرضا شاه نگاشت. از دیگر آثار این نویسنده‌ی اجتماعی می‌توان به داستان‌های "دکتر بکتاش"، "سیندخت" و "بافته‌های رنج" اشاره کرد. رمان شوهر آهو خانم، اثر علی محمد افغانی، هفت سال زندگی ناآرام و پرمشقت خانواده‌ای ایرانی را از سال ۱۳۱۳-۱۳۲۰ به تصویر می‌کشد. این رمان که سال ۱۳۴۰، دو سال پس از نگارش آن، بهترین رمان سال معرفی شد، از شاهکارهای زبان و ادبیات فارسی است. این اثر برجسته، شامل هجده فصل و ۸۱۱ صفحه است و نخستین بار در سال ۱۳۳۸ منتشر و تاکنون سیزده بار تجدید چاپ شده است.

شوهر آهو خانم، تراژدی زن ایرانی است. نویسنده با بیان رنج روزافزون زنانی چون آهو، مسالهی چند زنی، این درد اساسی نظام اجتماعی ایران در آن پرهه‌ی زمانی را نکوهش می‌کند و در جای جای کتاب از احقاق حقوق از دست‌رفته‌ی زن ایرانی داد سخن می‌دهد. این داستان چشم‌انداز گویایی از زندگی مردم متوسط جامعه را همراه با جزییاتی از ساخت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی آن زمان ترسیم کرده است.

نکته‌ی جالب توجه این است که این اثر برجسته در دهه‌ی سی در زندان نگارش شد. هم‌چنان که خود افغانی می‌گوید: «کاری بس دشوار بود. نوشتن کتاب در زندان داستان دیگر است، که هنوز فرصت نوشتن آن را نداشته‌ام. من همیشه نگران بودم که نکند نوشته‌هایم را پیدا کنند و دور بریزند یا پاره‌شان کنند، اگر آن اتفاق می‌افتاد امروز شوهر آهو خانمی وجود نداشت.»

### خلاصه‌ی رمان شوهر آهو خانم

سید میران سرابی، ریاست صنف نانوایان کرمانشاه، مرد پنجاه ساله‌ای که صاحب همسر و چهار فرزند است، در رمضان ۱۳۱۳ با زنی زیبا و مطلقه به نام هما زندگی آشنا می‌شود. این کولی‌زاده‌ی بیست و یک ساله که پس از طلاق از حاجی بنا، نزد میرزا حسین خان ضربی تعلیم رقص می‌بیند و با راننده‌ای لات به نام البرز ارتباط برقرار می‌کند، برای اعاده‌ی حیثیت خود از میران یاری می‌طلبد.

میران به نیت بازگرداندن هما نزد همسر و فرزندان، چندین بار به منزل میرزا حسین خان که در محله‌ای بدنام، به سر می‌برد، می‌رود و با هما صحبت می‌کند. در نهایت هما به سید میران

پیشنهاد می دهد که اتاقی به او و فرزندانش اجاره دهد و حتا برای حفظ آبرو، او را به عقد موقت خود درآورد. میران که خود را دلبسته‌ی این زن رقاص می بیند، پس از عقد موقت و پنهانی هما، او را به عنوان زنی بی سرپناه به خانه می آورد و از همسر ساده دل خویش، می خواهد که از مهمان پذیرایی کند. آهو با گذشت پانزده روز از حضور هما، به دلیل رفتار مشکوک میران به او، به حضور میهمان اعتراض می کند، اما میران با سوءاستفاده از اعتماد همسر، هما را عقد دائم می کند و از آن پس در اتاق او زندگی می کند. حتا آهو را به جرم توهین به هما در میان همسایگان به شدت کتک می زند و در ایام عید با نادیده گرفتن او و بچه‌ها از اقوام معشوق پذیرایی می کند. هما که زنی هوس باز و بی بند و بار است، پس از کشف حجاب، بی درنگ خود را در معرض نمایش می گذارد و با وجود مخالفت میران به خیاط خانه می رود و او را وادار به شرابخواری و رفتن به سینما می کند. آهوی بی پناه با دیدن بی آبرویی همسر، سعی می کند با طلسم و جادو او را به زندگی آبرومند پیشین بازگرداند، اما موفق نمی شود و با رفتن به روضه و عزلت نشینی، خود را به دست تقدیر می سپارد. میران بار دیگر برای حمایت از هما، آهو را با خواری تمام کتک می زند و از خانه بیرون می کند و با برداشتن طلاهای آهو، به هما وعده‌ی طلاق او را می دهد؛ اما هنگامی که به این قصد از خانه خارج می شود، به جرم نگه‌داری پارچه‌های قاچاق به دست ماموران گمرگ بازداشت می شود و روز بعد، پس از پرداخت جریمه، با ضمانت میرزا نبی آزاد می شود. پس از این ماجرا، میران برای آشتی هما و آهو، آن‌ها را به اتفاق بچه‌ها به باغ سراب می برد و از عشق جنون آمیز خود به هما برای آهو سخن می گوید. فردای آن روز، میران، هما را به دلیل پوشش نامناسب و متلک کاسبان محل تنبیه می کند و پس از ترک قهرآلود او از خانه، با دادن صد تومان مهریه، به طور غیابی سه طلاقه می کند.

آهو به یمن این اتفاق، جشنی برپا می کند، غافل از آن که روز بعد میرزا نبی با بازگرداندن هما، شادی را در کام او و فرزندانش تلخ می کند. میران، بار دیگر تسلیم عشوه‌گری‌های هما می شود و او را بیست و یک روز به قم و همدان می برد. در همین زمان، دکان او به دلیل کم‌فروشی تعطیل می شود. میران تصمیم می گیرد برای کار به شهری دیگر برود، از این رو هنگامی که آهو به سراب رفت، پس از فروش خانه و وسایل گران بها، به اتفاق هما خانه را به سوی تهران ترک می کند. آهو به محض شنیدن این خبر به گاراژ می رود و میران را با رسوایی تمام به خانه باز می گرداند. هما نیز همراه البرز، عاشق پیشین خود به همدان می رود و برای همیشه میران را تنها می گذارد...

آهو خانم شخصیت اصلی داستان، نمونه‌ی زنی از طبقه‌ی متوسط است. سونوشت او مشابه

بسیاری از زنانی است که از روزگار گذشته تا به امروز به نحوی با مشکل خیانت همسر مواجه بوده‌اند. آهو خانم در زمانی که سید هیچ چیز نداشت و یکه و تنها بود، به عقد سید درمی‌آید و با کار و تلاش و فداکاری اوست که سید اینک آسوده شده و می‌تواند دل به دلبری نو بسپارد. گذشته از اطاعت بی‌چون و چرا از همسر، آهو تا جایی که می‌تواند، سعی دارد از حق خود دفاع کند. او با آن که در ابتدا از ایمان و نیت خیر شوهرش مطمئن است؛ فریب نمی‌خورد و به سرعت خطر وجود هما را تشخیص می‌دهد و البته سعی می‌کند او را به نوعی از زندگی خود جدا کند؛ اما موفق نمی‌شود، آهو اعتراض می‌کند ولی چون پشت و پناهی ندارد و جامعه نیز حقی برایش قابل نیست اعتراضش به جایی نمی‌رسد، به ناچار تنها دل به فرزندانش خوش می‌کند. در وجود آهو خانم نرمی و سختی به هم آمیخته شده است. او با بردباری و درایت ذاتی سعی در چاره‌ی مشکل دارد. ابتدا ریش سفیدی را مامور می‌کند که درباره‌ی طلاق دادن هما، با سید میران صحبت کند، اما این تلاش او ناکام می‌ماند. آهو نیز به ناچار با شوهر و هما آشتی می‌کند و تا حدی تن به تقدیر بد می‌دهد اما برای بیرون راندن رقیب به راه‌های مختلفی متوسل می‌شود. آهو در طی سال‌ها تحقیر می‌شود. شوهرش به او ابراز نفرت می‌کند و از خانه‌اش می‌رانند. آهو از درون می‌شکند و احساس بی‌پناهی و بی‌دفاعی می‌کند، اما چهار فرزند، او را با رشته‌ای محکم به زندگی بسته‌اند. او رنج و سختی را در حد توان تحمل می‌کند، اما آینده‌ی کودکانش را در معرض نابودی می‌بیند، بر سید می‌شورد، نام و ننگ را به یک سو می‌نهد و مانند یک سرباز با تمام نیرو بر سید می‌تازد و در این نبرد پیروز می‌شود. او قصد دارد دشمن را نیز به سزای اعمالش برساند، اما هما گریخته است و آهو صاحب اصلی خانه، کاشانه‌ی خود را باز پس گرفته است.

هما، نمونه‌ای از زنان جامعه‌ی رضاشاهی است که تلاش در ارایه‌ی آن دارند. او به دنبال تجدد است و البته از تجدد تنها به دنبال ظاهر آن می‌گردد. هما در زمان خود زنی ضد اجتماع است که اعمال و کردار او موافق اصول و سنت جامعه نیست. او نمونه‌ی مورد پسند حاکمیت با ظاهری متجدد و درونی خالی است، که اصلاحات رضاشاهی او را بیش‌تر به سوی گمراهی سوق می‌دهد و دستور کشف حجاب آخرین پوسته‌های سنتی او را نیز فرو می‌ریزد.

نویسنده مولفه‌های اصلی زن سنتی یعنی مادر و همسر خوب بودن را نیز از او جدا می‌کند تا موجودی مسخ شده و زنی بدون نقش سنتی از او ارایه دهد. (توجه داشته باشیم که شوهر اولش او را سه طلاقه کرده و همچنین نازاست.) او بر عکس آهو به هیچ عنوان یار و غمخوار شوهر نیست و از سید برای خود نردبانی ساخته است و به عنوان آخرین راه چاره او را انتخاب کرده

است. او هنگامی که زمزمه‌ی آزادی زنان به گوش می‌رسد، تلاش می‌کند به سرعت فنی یاد بگیرد تا از سیطره‌ی سید خارج شود و سرانجام می‌گریزد.

**ویژگی‌های مثبت و منفی زن در شوهر آهو خانم**

در رمان شوهر آهو خانم، دو شخصیت اصلی وجود دارند که یکی ویژگی‌های مثبت و دیگری درست نقطه مقابل اوست. آهو خانم، شخصیت مثبت داستان به تقریب دارای خصلت‌های نیکوست و نویسنده، مهم‌ترین این خصلت‌ها را چنین می‌شمارد: مادر خوب بودن، آهو خانم تمام زندگی خود را وقف فرزندانش کرده است و به خاطر آن‌ها از همه‌ی حقوقش می‌گذرد، تمام تحقیرها و بدبختی‌ها را تحمل می‌کند تا سرانجام شوهرش (بهتر است گفته شود، پدر بچه‌ها) را به خانه باز می‌گرداند. مطیع بودن: آهو خانم همواره مطیع شوهر است و به رضایت خاطر او می‌اندیشد. کاری بودن: سید بخش عمده‌ی ثروتش را مدیون زحمات آهو است. او در ابتدای زندگی سرسختانه و پایه‌پای همسرش کار کرده است، بدون آن‌که سهمی برای خود بخواهد. مدیریت پنهان او در زندگی موجب پیشرفت همسرش شده است. وفاداری: با وجود آن‌که سید دل به زنی دیگر باخته است و کوچک‌ترین اعتنایی به آهو خانم نمی‌کند، حتا در مخیله او هم بی‌وفایی و خیانت به همسر نمی‌گنجد. گذشت و فداکاری: با آن‌که آهو خانم انواع بی‌اعتنایی‌ها و رنج‌ها را از جانب شوهر تحمل کرده است، با کوچک‌ترین اشاره‌ی او گذشته‌ها و بدی‌ها را فراموش می‌کند، او حتا هووی خود را نیز می‌بخشد و مدتی با او به مهربانی رفتار می‌کند. رازداری و امین خانواده بودن: آهو خانم حتا زمانی که شوهرش او را از خانه بیرون انداخته است، راز او (بدهکار بودن سید) را به کسی بروز نمی‌دهد و در فکر آبروی همسر است. از دیگر صفت‌های نیکی که نویسنده برای آهو خانم می‌شمارد، جلب رضایت شوهر، همدلی و هم‌فکری و مهربانی است. هما نقطه مقابل آهو است، تمام ویژگی‌های آهو در او وارونه می‌شود. از جمله صفات او: بی‌توجهی به مقام مادری: هما به علت نارضایتی از همسر دو طفل خویش را رها کرده است و حتا حاضر می‌شود که تا ابد سراغی از آن دو نگیرد. سرکشی: هما مطیع همسر نیست، زنی سرکش است، به حرف شوهر گوش نمی‌دهد، خلاف عزت اجتماعی رفتار می‌کند و به حرف دیگران اهمیتی نمی‌دهد. بی‌اعتقادی مذهبی: او به راحتی حجاب خود را کنار می‌گذارد، پیش از ازدواج با سید، می‌خواست به گروه مطرب‌ها بپیوندد. بی‌وفایی: هما زمانی که با شوهر اولش زندگی می‌کرد، با جوانی طرح دوستی می‌ریزد و عاقبت نیز با او می‌گریزد، او نه

به همسر اول و نه به سید وفادار نبود. علاوه بر این خصلت، به جلب رضایت شوهر اهمیتی نمی‌دهد و سید به ناچار خود را با شرایط او سازگار می‌کند. او از فداکاری، درک، هم‌فکری و رازداری نیز بی‌بهره است و تمام ثروت سید را به باد می‌دهد و چون می‌بیند دیگر چیزی در چنته ندارد، به راحتی با فرد دیگری می‌رود. او اهمیتی به گرفتاری‌های شوهر نمی‌دهد، سنت شکن و متجدد است و از کشف حجاب استقبال می‌کند، شراب می‌نوشد، به سینما می‌رود و به سرعت از تمام جنبه‌های سنت می‌گریزد و حتا نقش سنتی مادر و همسر خوب بودن را هم نمی‌پذیرد.

### نتیجه‌گیری

معروف‌ترین رمان اجتماعی دهه‌ی چهل، «شوهر آهو خانم» شخصیتی معقول و طبیعی از زن ترسیم کرده است و جزو نخستین رمان‌هایی است که در فضایی ایرانی (کرمانشاه) نگارش شده است. سبک این داستان مشابه داستان‌های سده‌ی نوزدهم فرانسه است، نویسنده به خوبی توانسته است شخصیت آهو خانم را به‌عنوان نمونه‌ی بارز زن ایرانی نشان دهد. افغانی آداب و رسوم کرمانشاه و همچنین نخستین روزهای کشف حجاب را هم به خوبی توصیف می‌کند. زن در این کتاب از جایگاه والایی برخوردار نیست. زن سنتی و زن متجدد هر یک به گونه‌ای قربانی اجتماع خرافی و عقب‌مانده هستند و حتا از برخی دردهای مشترک رنج می‌برند. با وجود این که دولت آزادی‌های ویژه به زنان داد، باز هم شاهد پایمال شدن حقوق آنان هستیم. زن در این جامعه باز هم از خشونت‌های مردان در امان نیست. چند همسری، چنان که در این داستان دیدیم، بیش‌ترین تحقیر و سرخوردگی را برای زن در بر دارد؛ زن، به دلیل مردسالاری در دفاع از حقوق خود ناتوان است. در این دوران، ظلم و ستم بسیاری به زنان روا می‌دارند و هیچ نهاد اجتماعی از حقوق ایشان دفاع نمی‌کند. نود درصد زنان داستان شاغل هستند و هر یک در حد توانایی خویش، به وضعیت اقتصادی خانواده کمک می‌کنند. پس از کشف حجاب، بسیاری از زنان هم‌پای مردان کار می‌کنند و این داستان، به نوعی حضور زنان در جامعه را به ما نشان می‌دهد.

### سرچشمه‌ها:

۱. ضابطیان، منصور. آخر هفته با علی محمد افغانی؛ حیات نو، شهریور ۱۳۸۰

۲. میرعابدینی، حسن. صد سال داستان‌نویسی؛ ج ۱، تهران، چشمه، ۱۳۸۰

۳. افغانی، علی محمد. شوهر آهو خانم؛ جلد یازدهم، تهران، نگاه، ۱۳۷۴.

چیستا